



چهره‌ها

غافلگیر شدم

جواد عزتی: امیدوارم هر فیلمی بازی می‌کنم نقش درستی داشته باشم، اینکه کاراکتری در سن و سال خودش بازی نکند، نقش را سخت‌تر می‌کند و طبیعتاً از این منظر، بازی در «مرد بازنده»، سخت بود. از نظر شخصیت پردازی، مهدویان این فیلم را دو سالی در ذهنش پروراند وقتی این نقش به من پیشنهاد شد، غافلگیر شدم؛ چون بارها درباره این فیلم‌نامه با او حرف زده بودم بدون اینکه به او بگویم از این نقش خوشم می‌آید. از صحبت‌های این بازیگر در نشست خبری «مرد بازنده»



ستاره تکرار نشدنی

محمد حسین مهدویان: عزتی را انتخاب کردم چون او یک ستاره تکرار نشدنی است که هر فیلمسازی دوست دارد در فیلمش باشد، او از پس اجرای هر نقشی برمی‌آید، ضمن اینکه با هم دوستیم و به ما خوش می‌گذرد.

از صحبت‌های این کارگردان در نشست خبری «مرد بازنده»

به بهانه حضور رعنا آزادی‌ور در «مرد بازنده»

جسور و تجربه‌گرا

بهمن ماه ۱۳۸۲، در بیست و دومین جشنواره فیلم فجر، «مارمولک» ساخته کمال تبریزی مهم‌ترین و جذاب‌ترین فیلم بخش مسابقه بود. سالن نمایش فیلم ملو از تماشاگرانی بود که شنیده بودند تبریزی و منوچهر محمدی (تهیه‌کننده) در این فیلم با موضوعی شوخی کرده‌اند که پیش از «مارمولک» فیلمسازی به سمت آن نرفته است.

بهمن کامیار) دیده نشد، اما آزادی‌ور در این فیلم یک سکانس به یادماندنی و فراتر از انتظار دارد و در نقش زنی زخم خورده، خشم، عصیان و اندوه را به شکلی توان‌مان به نمایش می‌گذارد. در «چهار راه استانبول» (مصطفی کیایی) آزادی‌ور در نقش زنی از طبقه فرودست تلاش کرده از سیمای آشنای زن شهری و لوکس دور شود. نقشی که در «خشم و هیاهو» (هومن سیدی) به بهترین شکل ایفا کرده بود. حضورش در فیلم خوب «خانه دختر» (شهرام شاه‌حسینی) از آن دست انتخاب‌هایی بود که او را در بازیگری چند گام جلوتر برد.

رعنا آزادی‌ور در فیلم بزرگ «محمد رسول الله» (ص) ساخته مجید مجیدی هم یکی از نقش‌های مکمل را بازی کرد. ام‌جمیل، زنی قوی و مستقل بود و آزادی‌ور انتخابی مناسب برای این نقش به نظر می‌رسید. سال گذشته همکاری با محمدحسین مهدویان در «زخم کاری» به نقطه عطفی در کارنامه این بازیگر تبدیل شد. کمتر کسی انتظار داشت در این درام پرتعلیق مردانه، بازی آزادی‌ور به چشم بیاید اما پس از پخش دو قسمت اول مجموعه تفاوت نقشی که

سمیرا با دیگر نقش‌های آزادی‌ور داشت، توجه تماشاگران را به این شخصیت و بازیگرش جلب کرد. آزادی‌ور با بازی بی‌نورگرایانه، شخصیت پرخاشگر، کنترل‌کننده و سلطه‌گر سمانه را به شکلی تأثیرگذار بازی کرد و به یکی از بازیگران محبوب سریال تبدیل شد. این همکاری موفق، زمینه‌ای فراهم کرد تا او برای دومین بار با مهدویان همکاری کند. دو بازیگر اصلی «زخم کاری» با «مرد بازنده» به چهلمین جشنواره فیلم فجر آمدند، اما این بار فیلم پلیسی مهدویان، هر چقدر اجازه درخشش به جواد عزتی در نقش یک مأمور داده به آزادی‌ور در نقش زنی معمولی مجالی برای درخشش نداده است. به نظر می‌رسد او در تداوم همکاری با مهدویان به‌عنوان کارگردانی پرکار، ترجیح داده پس از نقش پررنگ سمانه، شخصیتی کم

جیرانی) برخلاف انتظار در گیشه با سردی روبه‌رو نمی‌شد، آزادی‌ور به ستاره تبدیل می‌شد اما او تا سال‌ها بازیگر نقش‌های مکمل باقی‌ماند. کوسید در پروژه‌هایی متفاوت مقابل دوربین نبود، در سریال بازی نکرد و بخت این را هم پیدا کرد که با اصغر فرهادی در «در باره‌الی» همکاری

کند.

از اواسط دهه ۹۰، آزادی‌ور گرایش‌اش در انتخاب نقش‌ها و پروژه‌ها را اندکی تغییر داد و در فیلم‌هایی مثل «به وقت خماری» (محمدحسین لطیفی) یا «هفت‌های یک بار آدم باش» (شهرام شاه‌حسینی) بازی کرد که کوششی برای تثبیت جایگاهش به‌عنوان بازیگری پولساز بود. با این همه، او را بیشتر با نقش‌های جسورانه‌اش می‌شود به یاد آورد. حضور کوتاهش در «در وجه حامل»



چهره‌روز



محمدها و انعام‌پور روزنامه‌نگار

زندگینامه به سبک انیمیشن فوتبالیست‌ها

نقد فیلم



سحر عمرآزاد منتقد سینما

فیلم سینمایی «بیرو» یک اثر زندگی‌نامه‌ای است که در سال ۱۳۹۹ میلادی به کارگردانی سحر عمرآزاد ساخته شد. این فیلم به زندگی سحر عمرآزاد، بازیگر ایرانی، می‌پردازد.

فیلم داستان زندگی علیرضا بیرانوند، بازیگر ایرانی، را روایت می‌کند. سحر عمرآزاد در نقش علیرضا بیرانوند ظاهر شده است. فیلم به زندگی علیرضا بیرانوند در دوران کودکی و جوانی می‌پردازد.

فیلم داستان زندگی علیرضا بیرانوند، بازیگر ایرانی، را روایت می‌کند. سحر عمرآزاد در نقش علیرضا بیرانوند ظاهر شده است. فیلم به زندگی علیرضا بیرانوند در دوران کودکی و جوانی می‌پردازد.

فیلم داستان زندگی علیرضا بیرانوند، بازیگر ایرانی، را روایت می‌کند. سحر عمرآزاد در نقش علیرضا بیرانوند ظاهر شده است. فیلم به زندگی علیرضا بیرانوند در دوران کودکی و جوانی می‌پردازد.

فیلم داستان زندگی علیرضا بیرانوند، بازیگر ایرانی، را روایت می‌کند. سحر عمرآزاد در نقش علیرضا بیرانوند ظاهر شده است. فیلم به زندگی علیرضا بیرانوند در دوران کودکی و جوانی می‌پردازد.



فیلم‌ساز با مانور بر مایه‌های مستعد این جذابیت و خاطره‌انگیزی، تمرکز خود را بر نزدیک شدن به حس این قاپ‌های بسته قرار داده و به همین دلیل هم سکانس‌های بازی و تمرین ورزشی زندگینامه‌ای دانست و الا اگر تازه برای همراهی با یک فیلم ورزشی زندگینامه‌ای باشد که بهره نسبی خوبی هم از آن برده است. «بیرو» در بخش ورزشی و بازسازی صحنه‌های فوتبالی به نوعی وامدار دکوپاژ و میزانشن‌هایی به سبک انیمیشن محبوب دهه ۷۰ شمسی در تلویزیون ایران است. انیمیشن «فوتبالیست‌ها»، که هنوز هم بخش آن برای چندین نسل می‌تواند خاطره برانگیز و جذاب باشد.

بواسطه ذکر این خاطرات توسط بیرانوند در موقعیت‌های مختلف، تازگی مواجهه با وجهی جدید از زندگی این قهرمان ملی هم وجود ندارد.

کارگردان همچون دو فیلم قبلی‌اش، با تکیه بر این نکته که به شکل کلی قصه و درام جدیدی برای روایت وجود ندارد، تمرکز خود را بر نوع و زاویه نگاه و کارگردانی این زندگینامه ورزشی قرار داده است.

فیلم‌های ورزشی گونه‌ای جذاب از سینما بخصوص برای جذب مخاطب هستند که متأسفانه در ایران سابقه روشن و قابل استنادی ندارند و شاید بتوان از معدود موارد ناکام آن به «سونامی» و «لاله» اشاره کرد که البته درام زندگینامه‌ای نبودند بلکه فقط عنوان فیلم ورزشی را یدک می‌کشیدند و در نهایت هم موفق به جذب مخاطب نشدند.

فیلم‌های ورزشی و بازسازی صحنه‌های فوتبالی به نوعی وامدار دکوپاژ و میزانشن‌هایی به سبک انیمیشن محبوب دهه ۷۰ شمسی در تلویزیون ایران است. انیمیشن «فوتبالیست‌ها»، که هنوز هم بخش آن برای چندین نسل می‌تواند خاطره برانگیز و جذاب باشد.

گفت‌وگو «ایران» با رامین سهراب که فیلم اولش در ژانر اکشن و محصول مشترک ایران و فنلاند است

ریسک با لایه‌های دروغ

فیلم روز

نیره خادمی خبرنگار

از همان زمانی که علیرضا سهراب زاده بواسطه جایگاهش در ووشو ایران، سرپروژه‌های سینمایی قهرمان محور می‌رفت، رامین سهراب هم به فیلم‌های اکشن علاقه پیدا کرد و حتی در کودکی، نقش کوتاهی در فیلم «یاران» مقابل جمشید هاشم‌پور بازی کرد. او حالا پروژه سینمایی «لایه‌های دروغ» محصول مشترک ایران و فنلاند را در ژانر اکشن به‌عنوان فیلم اولی به چهلین دوره از جشنواره فیلم فجر آورده و امیدوار است که بتواند این ژانر را در ایران زنده کند. رامین سهراب بخش زیادی از کودکی و نوجوانی خود را همراه پدرش در فنلاند و آمریکا گذراند، در مدرسه «استالا آدلر» هالیوود درس خوانده و تحصیلات مرتبط با فیلمسازی را در آمریکا به پایان رسانده است. او به «ایران» می‌گوید که درباره ساخت فیلم در این ژانر ریسک کرده است، ولی همچنان در انتظار واکنش مردم است.

آمدن بتوانم فیلم خودم را بسازم. ■ مخاطب در فیلم لایه‌های دروغ با چه داستانی مواجه است؟

داستان از یک آتش‌نشان شروع می‌شود که کودکی بسیار تلخی داشته است. از ایران می‌رود تا بتواند در جای دیگر به آرامش برسد. در فنلاند این اتفاق برای او می‌افتد و از طریق عشق به آرامش می‌رسد ولی وقتی به ایران برمی‌گردد و این عشق از او گرفته می‌شود باید دید که برای دوباره به دست آوردن آن عشق، دست به چه کارهایی می‌زند. مردم به طور طبیعی آتش‌نشان‌ها را به‌عنوان قهرمان می‌بینند. بنابراین برای ما خیلی راحت بود که کاراکترمان آتش‌نشان باشد که به طور خود به خودی جانش را در راه نجات مردم گذاشته است. در این دوره از جشنواره درخشید که ضمن آنهنگاساز خود به ذهن مخاطب را در راه نجات مردم گذاشته است. مطمئناً وقتی یکی از همین مردم تبدیل به عشق زندگی این قهرمان می‌شود، اکشن ماجرا صدبرابر بیشتر می‌شود.

پیش از آنکه درباره فیلم صحبت کنید، از خودتان بگویید و اینکه اصلاً چطور تصمیم گرفتید فیلمساز شوید؟ آیا درس سینما خواندید؟

حدوداً ۴ ساله بودم که از ایران به فنلاند و فنلاند هم به آمریکا رفتم. تحصیلات فیلمسازی را در آمریکا تمام کردم و بیشتر در کارهایی نظیر کارگردانی فیلم‌های اکشن، بدلکاری و هنرپیشگی فعالیت داشتم. از همان کودکی هم خیلی دوست داشتم به ایران برگردم و فیلم اکشن بسازم چون این ژانر در ایران خیلی کم شده است. بیشتر فیلمسازان ایرانی به سمت ساخت کمدی و درام می‌روند. بنابراین دوست داشتم دوباره این ژانر را در ایران زنده کنم. من در مدرسه «استالا آدلر» در هالیوود درس خواندم بعد هم در فنلاند تحصیلات مرتبط با فیلمسازی و تهیه‌کنندگی را طی کردم تا وقتی به ایران



اصلی فیلم کودک بودند و هیچ شناختی از بازیگری نداشتند به واقعیت‌پذیری داستان و موقعیت فیلم کمک می‌کرد اما همین عدم شناخت از بازی و فیلم هم مسبب سختی‌هایی شد که تأثیر آن را در روزهای تولید شاهد بودم. جشنواره فجر همیشه جزو جشنواره‌های مهم ایران بوده و نگاه‌های زیادی به این جشنواره است اما به نظر من رویداد چندان در بحث فیلم کوتاه جدی عمل نمی‌کند تا جایی که هر سال به نوعی سر بودن یا نبودن فیلم کوتاه بحث وجود دارد. به اعتقاد من اگر به جشنواره‌های مهم دنیا مثل کن، ونیز، برلین نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همیشه در کنار بخش فیلم بلند بخش کوتاه هم وجود دارد و اتفاقاً به این بخش نگاه جدی هم دارند، چون فیلم کوتاه برای نشان مهم است، اما در ایران از نگاه برخی، فیلم کوتاه صرفاً کسب تجربه و آزمون و خطاست برای رسیدن به فیلم بلند که از نظر شخصی خودم این نگاه اشتباه است.

مهاجرت و کودکان

فیلم کوتاه روز

محمد مهین روح‌اللهینی کارگردان «لنو»

فیلم «لنو» درباره مهاجرت است و سعی کرده‌ام این بار از نگاه کودکان به این موضوع بپردازم. فیلم درباره تبعات و تأثیرات مهاجرت روی کودکان است که از زبان کودکان هم قصه آن روایت می‌شود. ایده اولیه این فیلم از خبر کوتاهی که خواندم شکل گرفت و با ایده قبلی که داشتم به نوعی تلفیق و ماحصل آن فیلم لنو شد.

همیشه موانع و سختی‌هایی در فیلم کوتاه وجود دارد. اما بیشترین مانعی که به نظر من در شهرستان‌ها یا آن مواجه هستیم مشکل تولید است، به‌عنوان مثال اگر بخواهیم نیروی فنی متخصص یا گاهی تجهیزاتی را که در شهرستان‌ها وجود ندارد از شهرهای بزرگ بیآوریم (به‌طور مثال از تهران) با هزینه‌های گزافی مواجه می‌شویم که به همین خاطر خیلی از بچه‌ها مجبور به کوتاه کردن قصه یا حذف برخی از سکانس‌ها از فیلم‌نامه می‌شوند که بالطبع در اکثر مواقع به یک خروجی ضعیف و غیر قابل قبول منتهی می‌شود. به همین دلیل فکر می‌کنم کسانی که در این حوزه مسئولیتی دارند باید نگاه بیشتری به شهرستان‌ها داشته باشند، البته در رابطه با کار خودم، از آنجایی که دو شخصیت



گاه‌شمار جشنواره

دهمین دوره بهمن ۱۳۷۰

طبق جریان هرساله جشن‌های انقلاب که جزء مهمی از برنامه‌های سراسری و کشوری ایام دهه فجر را به خود اختصاص می‌داد برگزار شد.

دوره دهم فیلم فجر، دوره درخشش سینماگرانی همچون مجید مجیدی و رخشان بنی‌اعتماد و بهرام بیضایی بود که طی سال‌ها بعد درباره آثارشان و حواشی و اختلافات آنها با وضعیت فرهنگی و هنری کشور خبرها و جریان‌های زیاد سینمایی در کشور به راه افتاد.

دوره دهم جشنواره فیلم فجر، با حضور رقبای جدی مانند فیلم‌های ناصرالدین شاه آکتور سینما، مسافران، نرگس ویدوک، سرانجام عنوان بهترین فیلم جشنواره از آن فیلم «نیاز» به کارگردانی «علیرضا داوودنژاد» شد. همچنین «رخشان بنی‌اعتماد» در مقابل رقبای پرسابقه خود همچون بیضایی، داوودنژاد، مخملباف دریافت «جایزه ویژه هیأت داوران»، دو بازیگر آن یعنی «مجید مظفری» و «فاطمه معتمدآریا» نیز موفق شدند تا به ترتیب عناوین «بهترین بازیگر نقش دوم مرد» و «بهترین بازیگر نقش دوم زن» را

از آن خود کنند. همچنین عنوان بهترین فیلم‌نامه این دوره از جشنواره به «اصغر عبداللهی» و «حسن قللی زاده» به خاطر نگارش متن فیلم «خانه خلوت» اهدا شد. «محمدرضا علیقلی» جوان نیز در مقابل رقبای دیگر در این دوره از جشنواره درخشید که ضمن دریافت «جایزه ویژه هیأت داوران»، دو بازیگر آن یعنی «مجید مظفری» و «فاطمه معتمدآریا» نیز موفق شدند تا به ترتیب عناوین «بهترین بازیگر نقش دوم مرد» و «بهترین بازیگر نقش دوم زن» را



نرگس